

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

مست باده

ز تاب عارضش آتش به جان افتاده، تب اینست
مرا در کوی خود افتاده در خون دید، حیران شد
به پیش لعل او از تشنه کامی سوختم، اما
به خاک انتظارم می نشاند، خود نمی آید
سپند روی مجمر گشتم و عمری ست می سوزم
به جز از عشق تو در دل ندارد راه، اینک دل
به رویم بی سبب پا ماندی و با غیر پیوستی
چو مست باده گردی ساده تر بنشین به پهلویم
به یاد کاکلش روزم سیه گردیده، شب اینست
که کس از کشته خود بیخبر باشد، عجب اینست
نکردم خواهش یک بوسه از لعلش ادب اینست
نمی آید، نمی خواند، نمی راند، غضب اینست
بت من دور از رویت مرا عیش و طرب اینست
نرفته جز دعایت بر لبم ای شوخ، لب اینست
منت با خون دل پرورده ام آخر سبب اینست
یگانه آرزویم از تو ای شوخ شقب اینست

«اسیر» از ما به عشق خود ندیده هیچ کوتاهی

بت من خود بُود کوتاهبین، امروز گپ اینست

(کابل نازنین - عقرب ۱۳۳۱ هـ.ش)